

دوشنبه / ۲۴ آذر ۱۴۰۴ / شماره ۶۰۷۶	
خبر	
دکور «کارناوال» ۱۰۰میلیارد هزینه داشت	
تازگی برنامه برای رامبد جوان!	
	
تهیه کننده «کارناوال» با اشاره به دکور ۱۰۰میلیارد تومان ی برنامه درباره حضور بازیگران در میان تماشاگران توضیح داد و گفت وسعت برنامه به حدی بود که در بخش هایی برای رامبد جوان هم تازگی داشت.	
محمد شریفی تهیه‌کننده برنامه «کارناوال» با اشاره به هدفی که از این پروژه برای سازندگان محقق شد به خبرنگار مهم بیان کرد: «کارناوال» یک پروژه بزرگ و جاه‌طلبانه است و معتقد هستیم در فصل اول توانستیم اتفاق مهمی را رقم بزنیم. «کارناوال» نشان‌دار دهر هنرمندی می‌تواند ایده‌ای را که در ذهن دارد، با همراهی بهترین تیم‌ها به صحنه بیاورد.	
وی درباره ویژگی‌های این پروژه و انتظارات از رامبد جوان اضافه کرد: از نگاه من، این پروژه جذاب و موفق بوده و قطعا در فصل‌های بعدی کیفیت آن بالاتر هم خواهد رفت. وسعت «کارناوال» به‌قدری بود که برای خود ما و حتی رامبد جوان هم در بخش‌هایی تازگی داشت. طبیعی است که در چنین پروژه‌ای آزمون و خطا وجود داشته باشد اما هرچه جلوتر رفتیم، برنامه جذاب‌تر شد به‌ویژه قسمت‌های پایانی که از نظر اجرا واقعا در سطح بالایی قرار گرفت.	
برخی بازیگران اعلام کردند به فصل دوم می‌آیند	
شریفی در پاسخ به اینکه چرا در میان اجراها بیشتر سینا ساعی سناریوهای جذابی ارائه کرد، گفت: این نکته را قبول ندارم، بامداد افشار، رؤیا میرعلی، روزبه حساری و وحید آقاپور هم به نظر من اجراهای درخشانی داشتند. در سال‌های اخیر، به ویژه در قالب رئالیته‌شوها، حضور بازیگران و هنرمندان سخت‌تر شده و نوعی گارد در میان برخی سلبریتی‌ها شکل گرفته است که چنین برنامه‌هایی حضور را ندارند، تمایل بیشتری نشان دارند و خودشان گفتند در فصل دوم هستند. قطعا در فصل‌های بعدی، با ترکیب متنوع‌تر و جذاب‌تری از بازیگران روبه‌رو خواهیم بود و قشری را خواهیم داشت که کمتر به رئالیته شوها آشناند.	
وی درباره بیشترین بخش ساخت پروژه که انرژی گرفته است، توضیح داد: حتماً ساخت دکور و اجرا و مدیریت تماشاگران بخشی از فرایند انرژی بود و با ضبط برخی قسمت‌ها می‌تلبید که تا ۲۲ ساعت ادامه داشت باشد.	
۱۰۰میلیارد تومان بابت دکور هزینه شد	
تهیه‌کننده «کارناوال» درباره هزینه‌ها و زمان تولید که گفته شد هر قسمت ۱۵ میلیارد بوده است، گفت: هزینه بزرگی بابت دکور شد که بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان بود و بقیه هم هزینه تولید بود که برایش بیشتر از یک سال و نیم زمان صرف شد. همه هزینه‌ای که انجام گرفته است اگر بر ۲۱ قسمتی که تولید شد تقسیم‌شود بیشتر از آن ۱۵ میلیارد می‌شود.	
وی با اشاره به یک چالش دیگر عنوان کرد: برای بخش هم با چالش‌هایی مواجه بودیم و سختی‌هایی داشت با این حال باید تعامل کرد و توقعمان بود با ما هم تعامل شود.	
بازیگران فقط بحث را داغ می‌کردند	
شریفی در پاسخ به برخی شایبه‌ها درباره هدایت تماشاگران گفت: ما بازیگرانی در میان تماشاگران داشته‌ایم اما فقط هدف این بوده که بحث را داغ کنند اما هیچ‌گاه اینگونه نبود به کسی گفته‌شود چه بگویند. آنها قرار بود فقط به دیگران اعتماد به نفس بدهند که میکروفن را به دست بگیرند. این فضا که از سمت ما کسی شیطنت کند و حرفی بزند اصلا نبوده است و با روحیه رامبد جوان به کاملا در تضاد است.	
این تهیه کننده در ادامه درباره تولید برنامه‌ای برای استندآپ کمدی مشابه «خداندنده شو» اظهار کرد: این برنامه که داووشن هم معرفی شده‌اند چهار مربی یا منتور دارد و ابوطالب حسینی هم مجری آن است.	
وی در پایان گفت: این برنامه از اواخر دی کلید می‌خورد و پیش از آن به پلتفرم فیلمو انجام می‌شود. مردم عادی امکان حضور در این رقابت را دارند و در قالب ۲۳ قسمت تولید خواهد شد.	

وقتی مرگ به موتور روایت تبدیل می شود

طغیان قتل در نمایش خانگی

در حالی که تولیدات شبکه نمایش خانگی در سال‌های اخیر رشد قابل‌توجهی داشته، بررسی مجموعه‌های پخش‌شده در ۲ سال اخیر نشان می‌دهد محوریت قتل و روایت‌های مبتنی بر خشونت فیزیکی، بیش از هر زمان دیگری به الگوی غالب داستان‌پردازی تبدیل شده است روندی که پرستش‌های جدی درباره پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن را پیش‌روی سیاست‌گذاران، پژوهشگران و خانواده‌ها قرار می‌دهد.



بلکه پیامدهای روانی، اجتماعی و اخلاقی جدی برای جامعه دارد دوم الگوبرداری از سریال‌های خارجی و تقلید ناقص از ژانر جنایی نیز یکی دیگر از عوامل است. بسیاری از نویسندگان سعی کرده‌اند فرمول موفق سریال‌های خارجی را پیاده کنند اما با حذف لایه‌های پیچیده و افزودن خشونت، کیفیت محتوایی کاهش یافته داده است. سوم فقدان نظام نیازسنجی فرهنگی باعث شده تا تولیدکنندگان ندانند جامعه چه خلأهایی دارد و چه محتوایی نیاز دارد در نتیجه سادهم‌ترین راه یعنی تمرکز بر قتل و خشونت انتخاب شده است. و در نهایت چهارم بحران خلاقیت وضعف فیلمنامه نیز عامل مهمی است. قتل و خشونت به عنوان میان‌بر برای ایجاد تنش و کشش داستانی جایگزین روایت‌های پیچیده و شخصیت‌پردازی عمیق شده است.

اثرات اجتماعی و روانی خشونت سریالی در جامعه چیست؟

عادی‌سازی خشونت، کاهش حساسیت نسبت به این خشونت‌آمیز، افزایش اضطراب اجتماعی و تهدید احساس امنیت روانی از جمله پیامدهای مستقیم این محتواست. مخاطبان نوجوان و جوان ممکن است خشونت را به عنوان ابزار مشروع برای حل تعارض بپذیرند و این امر بر ارزش‌های اخلاقی و روابط انسانی اثرگذار است. بنابراین نمایش قتل به‌عنوان عنصر جذاب داستان همچنین گفت‌وگو و حل مساله را در زندگی واقعی کم‌رنگ می‌کند و خشونت به عنوان راه‌حل غالب معرفی می‌شود.

در روایت‌هایی همچون این سریال‌ها، که تعارض‌ها همواره با حذف یا خشونت حل می‌شود، الگوی ناسالمی از حل مسئله به مخاطب القا می‌شود. تکرار چنین الگوهایی می‌تواند بر مهارت‌های ارتباطی، تاب‌آوری و نوع مواجهه افراد با تعارض‌ها اثر مخرب داشته باشد و خشونت کلانی با رفتاری از در روابط روزمره افزایش دهد. همچنین وقتی بخش بزرگی از تولیدات پربیننده در قتل و رفتارهای خشونت‌آمیز استوار باشد، حساسیت روانی جامعه نسبت به خشونت کاهش می‌یابد. به‌تدریج قتل، تهدید و انتقام‌جویی از امر استثنایی به روایتی عادی و پیش‌بینی‌پذیر تبدیل می‌شود و این عادی‌سازی

مرگ روشنفکری دقیق و متعهد

مرجع‌نگاری و اعتلای نهادهای علمی و فرهنگی کشور کرد. او عضو هیئت‌پوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، عضو هیئت علمی دانشنامه تشیع و از مشاوران و مدیران اثرگذار کتابخانه ملی ایران به‌شمار می‌رفت.

فانی تحصیلات دانشگاهی خود را با پزشکی در دانشگاه تهران آغاز کرد، اما پس از دو سال، با انتخابی آگاهانه مسیر زندگی‌اش را به سوی زبان و ادبیات فارسی تغییر داد. این تغییر رشته، نه یک گسست، بلکه نشانه‌ای از روح جست‌وجوگر و علاقه عمیق او به فرهنگ و دانش بود. او در سال تحصیلی ۱۳۴۷-۱۳۴۸ همراه با چهره‌هایی چون قدمعلی سرامی، بهاءالدین خرمشاهی، سعید حمیدیان و حسن انوشه از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و از محضر استادان بزرگی چون عبدالحسین زرین کوب، ذبیح‌الله صفا، پرویز ناتل خانلری، بدیع‌الزمان فروزانفر و جلال‌الدین همای بهره برد. این تربیت علمی، بنیان نگاه دقیق، منظم و ژرف او به متن و دانش را شکل داد.

کامران فانی در سال ۱۳۵۲ مدرک کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی را از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران دریافت کرد و از سال ۱۳۵۹ فعالیت حرفه‌ای خود را در کتابخانه ملی ایران آغاز نمود. حضور او در این نهاد، صرفاً یک شغل اداری نبود، بلکه به مثابه رسالتی فرهنگی جلوه می‌کرد. او به‌عنوان عضو هیئت

فرهنگ و هنر

فردوسی تأکید کرده که آثار خشن نباید در اختیار کودکان و نوجوانان قرار بگیرند چون آنها بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند و ممکن است خشونت را به‌مثابه راه‌حل یا طبیعی ببینند.

خشونت عریان؛ محرک رفتارهای خشن در جوانان

مونا فلسفی روان‌شناس اجتماعی در این باره هشدار داده که نمایش صحنه‌های خشونت‌آمیز به صورت مکرر و بدون نظارت می‌تواند به آسیب روانی و اجتماعی منجر شود. فلسفی توضیح داد اگر خشونت صرفاً برای جذاب‌تر کردن داستان یا جذب مخاطب به کار رود نه با هدف نقد یا آسیب‌شناسی این کار می‌تواند به نوعی تحریک مخاطب برای پرخشگری خشونت یا رفتارهای ناسالم منجر شود. او تأکید کرده است که سهم آثار نمایش خانگی در خشن شدن جامعه جدی است هرچند ممکن است اثرش تدریجی باشد بنابراین سازندگان و مسئولان فرهنگی باید با مشاوره روان‌شناسان و جامعه‌شناسان آثار تولید کنند.

خشونت را نمی‌توان پنهان کرد باید عللش واکاوی شود

سمیه فریدیونی جامعه شناس نیز در گفت‌گویی عنوان کرده که خشونت جزئی از واقعیت جامعه است و نمی‌توان آن را به‌کل نفی کرد اما بازنمایی آن نیازمند تحلیل جامعه است. این یعنی عادی‌سازی تنها بازنمایی نیست باید علل خشونت در جامعه نیز واکاوی شود. او معتقد است که حذف خشونت از آثار هنری لزوماً راه‌حل نیست بلکه روایت مسئولانه و همراه با تحلیل و نمایش پیامدهاست که می‌تواند به آگاهی اجتماعی کمک کند. نمایش خشونت صرفاً برای شوک دادن یا جذب مخاطب کاری درست نیست.

است در همه این بررسی‌ها و تحلیل‌ها و مصاحبه‌ها، نکته مرکزی این امر که خشونت صرفاً به عنوان ابزار درام پذیرفته شده و حتی کالایی پرسود شده و وسیله نقد یا بررسی اجتماعی، این یعنی عادی‌سازی خشونت. مخاطب آسیب‌پذیر به ویژه نوجوانان و جوانان هستند و وقتی خشونت به صورت مکرر و بدون تحلیل دیده شود ممکن است الگو شود یا دست‌کم حساسیت نسبت به خشونت کاهش یابد.

کارشناس‌ها تأکید دارند اگر قرار است خشونت در روایت وجود داشته باشد باید همراه با تحلیل روان‌شناختی، اجتماعی، اخلاقی باشد یعنی نشان داده شود که خشونت عواقب دارد، تقبیح شود، نه تجلیل یا طبیعی‌سازی همچنین هشدار داده شده که این روند می‌تواند به آسیب اجتماعی منجر شود یعنی منجر به افزایش پرخاش، خشونت واقعی، کاهش همدمی، کاهش تاب‌آوری اجتماعی شود و در مقابل برخی جامعه‌شناس‌ها می‌گویند حذف مطلق خشونت هم راه‌حل نیست بازنمایی واقعیت مهم است ولی با مسئولیت.

ضرورت تولید این حجم خشونت

با توجه به ظرفیت‌های رسانه، هیچ ضرورتی ندارد که بیش از ۸۰ درصد سریال‌های ۲ سال اخیر محور قتل باشند. تولیدکنندگان می‌توانند از ژانرهای متنوع دیگر شامل درام خانوادگی، طنز، مودرام انسانی، اجتماعی، تاریخی یا عاشقانه استفاده کنند تا محتوای سالم و جذاب ارائه شود. درواقع ادامه روند کنونی نه تنها کیفیت محتوا را کاهش می‌دهد بلکه پیامدهای روانی، اجتماعی و اخلاقی جدی برای جامعه دارد.

به نظر می‌رسد سریال‌های ۲ سال اخیر نمایش خانگی نشان می‌دهند که قتل و خشونت به عنصر مرکزی روایت‌ها تبدیل شده است و این روند علاوه بر کاهش تنوع ژانر، اثرات روانی و اجتماعی منفی بر مخاطبان دارد. عادی‌سازی خشونت، تهدید احساس امنیت روانی و تغییر الگوهای اخلاقی از پیامدهای مهم این روند است.

با توجه به مباحث مطرح شده به نظر می‌رسد تولیدات نمایش خانگی به بازنگری فوری نیاز دارد و باید تمرکز خود را بر تنوع ژانر، فیلمنامه‌پردازی حرفه‌ای و روایت‌های انسانی و اجتماعی معطوف کنند. مخاطب نمایش خانگی سزاواند که داستان‌هایی فراتر از خشونت و انتقام مشاهده کند، روایت‌هایی که زندگی، امید و پیچیدگی انسانی را در مرکز قرار دهند.

علمی، مشاور ریاست و عضو شورای عالی مشاوران کتابخانه ملی، نقشی تعیین‌کننده در سامان‌دهی فهرست‌ها، استانداردسازی سرعنوان‌های موضوعی و گسترش دانش کتابداری در ایران ایفا کرد. افزون بر این، عضویت در هیئت امنای کتابخانه مجلس و شورای عالی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جایگاه علمی و اعتماد نهادهای فرهنگی به او را نشان می‌دهد.

فانی در عرصه تألیف، ترجمه و ویرایش، کارنامه‌ای پرپرا و متنوع دارد. آثاری چون «سرعنوان‌های موضوعی فارسی»، «رده‌بندی تاریخ ایران»، «دربندی فلسفه اسلامی» و «فرهنگ موضوعی قرآن» از منابع بنیادین کتابداری و مرجع‌نگاری در ایران به‌شمار می‌روند. در حوزه ترجمه، با آثاری از نویسندگان و متفکرانی چون کارل چاپک، جان برنال، هنینگ، سالیوان، داستایوفسکی، آنتوان چخوف و گوتتر گراس، نقش مهمی در آشنایی مخاطب فارسی‌زبان با ادبیات و اندیشه جهانی ایفا کرد. ترجمه‌هایی چون «آدم‌های ماشینی: روایت‌ها»، «علم در تاریخ»، «زردشت: سیاستمدار یا جادوگر؟» و «مرغ دریایی» نمونه‌هایی از دقت علمی و ذوق ادبی او هستند.

یکی از برجسته‌ترین وجوه فعالیت کامران فانی، نقش او در دانشنامه‌نگاری است. او از سرپرستان و ویراستاران اصلی «دائرةالمعارف تشیع» بود؛ اثری سترگ که تاکنون ۱۵ جلد آن تا

انتخاب تاریخی تأییم برای سال ۲۰۲۵

هوش مصنوعی بر تخت نشست

در چنین یازتاب داد: «اگر اتفاق واقعاً پدی افتاد، تقصیر را گردن هوش مصنوعی بیندازید.» افرادی که تاریخ را می‌شناسند، می‌دانند این لحظه مدت‌ها در راه بوده است. ۷۵ سال پیش، کامپیوتری به نام Mark III روی جلد نام ظاهر شد؛ دستگاهی ۵۰۰ هزار دلار برای نیروی دریایی، که در دهه شانزدهم کمک می‌کرد آینده‌ای تازه را تصور کند. تیتز آن گزارش چه بود؟ ماشین اندیشمند. اکنون در جهانی زندگی می‌کنیم که آن ماشین و سازندگانش پایه‌گذاری کردند.

انتخاب «شخصیت سال» یکی از قدیمی‌ترین سنت‌های رسانه‌ای است. راه طولانی طی شده از زمان انتخاب چارلز لیندبرگ به‌عنوان «مرد سال ۱۹۲۷»، آن هم در تلاش برای جبران اینکه سربدیان او را پس از پرواز تاریخی‌اش روی جلد قرار نداده بودند. از آن زمان، این انتخاب تکامل یافته و حوزه آن گسترده‌تر شده است. علاوه بر افراد، گروه‌ها، زنان و حتی مفاهیم نیز انتخاب شده‌اند؛ به عنوان مثال "زمین در خطر در سال ۱۹۸۸" یا "رایانه شخصی در سال ۱۹۸۲" (بحث‌های پرفرازونشیب انتخاب رایانه شخصی به‌جای استیو جابز بعدها سوژه کتاب و فیلم شد.

این انتخاب جدید، سومین مورد در مجموعه‌ای است که لحظه‌های کلیدی انقلاب فناوری در نیم‌قرن گذشته را ثبت کرده است. ظهور رایانه شخصی در دهه ۱۹۸۰ اقتصاد را دگرگون کرد. همانطور که در تصویر زیر می‌بینید، پیدایش جوامع دیجیتال در سال ۲۰۰۶ با انتخاب «شما» همراه با جلد آینده‌ای معروف ثبت شد؛ که اکنون می‌بینیم چقدر پیش‌بینانه بوده است. امروز، اینترنت که با دستگاه‌های دیجیتال شخصی شکل گرفت، جای خود را به دوره‌ای تازه می‌دهد و آن هم عصر هوش مصنوعی است.

«شخصیت سال» ابزاری قدرتمند است برای جلب توجه جهان به کسانی که

زندگی ما را شکل می‌دهند. امسال، هیچ‌کس تأثیری بزرگ‌تر از افرادی که هوش

مصنوعی را تصور کرد، طراحی کرده و ساخته‌اند نداشت. مسیر آینده این فناوری

را انسان‌ها تعیین می‌کنند و هر یک از ما می‌توانیم در تعیین سرنوشت آن

بهره‌ا نداخت. هیچ مدیر ارشدی نمی‌توانست بدون اشاره به تأثیر این انقلاب فناوریانه، درباره آینده سخن بگوید. هیچ خانواده یا مدرسه‌ای نمی‌توانست بی‌تفاوت باشد نسبت به اینکه نوجوان‌ها و دانش‌آموزان‌شان چگونه از آن استفاده می‌کنند.

در هفته‌های اخیر، این ابزارهای جدید تقریباً جادویی به‌نظر رسیده‌اند. دریافتیم که هوش مصنوعی می‌تواند امکان برقراری ارتباط با نهنگ‌ها را فراهم کند، یک مسئله حل‌نشده ۳۰ ساله ریاضی را حل کند و دقت مدل‌های سنتی پیش‌بینی طوفان را پشت سر بگذارد. این سیستم‌ها با سرعتی انفجاری در حال بهبودند؛ کارهایی که برای انسان ساعت‌ها طول می‌کشید، اکنون در چند ثانیه انجام می‌شود. طبق یک پژوهش، توانمندهای هوش مصنوعی تقریباً دو بار در سال دو برابر می‌شود. سرعت پذیرش آن نیز سابقه ندارد.

جنس هوانگ، مدیرعامل اونیدا، ارزشمندترین شرکت جهان و یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های عصر هوش مصنوعی می‌گوید: «هر صنعت به آن نیاز دارد، هر شرکت از آن استفاده می‌کند و هر کشور باید آن را بسازد. این اثرگذارترین فناوری زمان ماست.»

اما این پیشرفت بهایی دارد، تأمین انرژی چنین سیستم‌هایی منابع را می‌بلعد. فرصت‌های شغلی از بین می‌رود. اطلاعات غلط و جعل‌های دیجیتال تشخیص واقعیت را دشوارتر می‌کنند. حملات سایبری در مقیاس بزرگ بدون دخالت انسان ممکن دشو‌اند. علاوه بر این، تمرکز قدرت در دستان چند رهبر بنگاه‌های بزرگ، در سطحی که در دوران «عصر طلایی» آمریکا دیده نشده نگرانی‌های اقتصادی و اخلاقی را افزایش داده است. اگر تاریخ چراغ راه آینده باشد، این وضعیت هم پیشرفت‌های عظیم به همراه می‌آورد و هم نابرابری‌های بزرگ‌تر.

شرکت‌های فعال در حوزه هوش مصنوعی اکنون بیش از هر زمان دیگری به اقتصاد جهانی گره خورده‌اند. ریسک عظیمی در جریان است و ترس از شکل‌گیری یک حباب اقتصادی شدت گرفته است. ترامپ در سپتامبر بخشی از این نگرانی‌ها

مجله تأییم در تازه‌ترین انتخاب خود، «معماران هوش مصنوعی» را به‌عنوان چهره سال ۲۰۲۵ معرفی کرده؛ تصمیمی که بازتاب‌دهنده تحولاتی است که این فناوری در یک سال گذشته رقم زده و جایگاه بی‌سابقه آن را در اقتصاد، سیاست و زندگی روزمره تثبیت کرده است.

به گزارش خبرآنلاین، از سال ۱۸۰۰، رهبران آمریکا در واشنگتن د.سی گرد هم می‌آیند تا در مراسم تحلیف رئیس‌جمهوری جدید شرکت کنند؛ در این روز معمولاً قدرتمندترین افراد این کشور حضور دارند. در ژانویه امسال، در مراسم بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، مدیران عامل شرکت‌های فناوری ایالات متحده حضوری پررنگ داشتند. اما در پنت صحتح اتفاق غیرمنتظره‌ای رخ داد؛ همان روز، یک شرکت ناشناخته چینی به نام DeepSeek یک مدل جدید هوش مصنوعی منتشر کرد که بازارها را به وحشت انداخت و دره سیلیکون را به واکنش واداشت.

روز بعد، غول‌های فناوری، سم آلتمن، لری ایسسون و ماسایوشی سون در کاخ سفید حاضر شدند و از تعهد برای سرمایه‌گذاری تا سقف ۵۰۰ میلیارد دلار برای ساخت مراکز داده هوش مصنوعی در سراسر آمریکا، خبر دادند؛ پروژه‌ای که Stargate نام گرفت. این دو روز، از رقابت جهانی، ناآواری حیرت‌انگیز، جریان سرمایه‌های عظیم و تلقای منافع بخش دولتی و خصوصی را در سال پیش رو برای این صنعت نشان دادند.

این سالی بود که در آن تمام پتانسیل هوش مصنوعی نمایان شد و روشن شد که دیگر راه بازگشتی وجود ندارد؛ یا حتی امکان کنار کشیدن نیست. هر پرسشی مطرح می‌شود، هوش مصنوعی پاسخ آن بود. شاهد شتاب‌گیری تحقیقات پزشکی، رشد بهره‌وری و تحقق کارهایی بودیم که زمانی ناممکن به‌نظر می‌رسید. تقریباً غیرممکن بود چیزی بخوانید یا ببینید و با خبری درباره پیشرفت سریع این فناوری و سازندگان آن روبه‌رو نشوید.

این موج خبری میلیون‌ها بحث و جدل را درباره میزان دگرگونی زندگی انسان‌ها